



ن والقلم

موقوفات زنان در ایران

از موضوعاتی که در بررسی اسناد موقوفات و مطالعه وقف نامه‌ها جلب توجه می‌کند موقوفات بانوان است. شمار زیادی از رقبات کوچک و بزرگ وقتی در شهرهای مختلف ایران موجود است که واقف آنها زنان بوده‌اند. براساس آخرین آمار منتشر شده از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه بیش از ۴۰۰۰ موقوفه شامل ۲۵۰۰۰ رقبه در نقاط مختلف کشور از زنان خیر به یادگار مانده است. بدیهی است این آمار تنها دربرگیرنده موقوفاتی است که تاکنون شناسایی و ثبت شده است و تحقیقاً تعداد واقعی بیش از این است. این موقوفات که قدمت برخی از آنها به بیش از پانصدسال می‌رسد رقبات گوناگونی را از قبیل اراضی مزروعی، دکاکین، تکایا، مساجد، منازل مسکونی، دارالایام، درمانگاه و سایر مراکز عام‌المنفعه شامل می‌شوند و هریک دارای مصارف مشخص بوده عواید آنها همه ساله به واسطه متولی یا سازمان اوقاف صرف اجرای نیت واقفین می‌گردد.

این آمار از جهات گوناگون حائز اهمیت و سزاوار دقت و تأمل است و از نظر گام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل مطالعه و بهره‌برداری است.

اولاً از جهتی نمایانگر عقیده و اندیشه زن مسلمان ایرانی در روزگار گذشته است. زیرا انگیزه این بانوان نیکوکار چیزی جز حس نوع دوستی و خیرخواهی و آرزوی سعادت‌مندی درسرای باقی و حیات پس از مرگ نبوده است. آنان تحت تأثیر اعتقادات مذهبی و عواطف انسانی از بخشی از اموال خود چشم پوشیده و با وقف آنها در راه خدا درآمد مستمری را برای ضعفا و نیازمندان و نام نیک جاودانه‌ای را برای خود و خاندان خود برجای نهادند، به طوری که اینک پس از گذشت دهها و صدها سال همچنان نامشان جاودانه و آثار خیرشان برقرار است. موقوفات و آثار باقیمانده از آن بانوان بافضیلت نمایانگر عظمت روح و بلندی همت آنان است؛ چه آنکه هیچ‌گونه رادع و مانعی بر سر راه بهره‌وری آنان از اموالشان نبوده و می‌توانستند همچون دیگران بخشی از ثروتشان را صرف تجملات زندگی شخصی کنند و مابقی را برای بازماندگان به ارث بگذارند، ولی به جای آن، مسیر دیگری را برای ادامه حیات افتخارآمیز خود و نسلشان برگزیدند و اقدام به وقف اموال خود نمودند تا از این طریق در شادمانی محرومان و درماندگان و ایتم و بی‌سرپرستان همواره سهیم شوند. این امر نشانه عنایت خاص پروردگار به آنان و بهره‌مندیشان از نور بصیرت و عقل دوران‌دیش است، زیرا تا کسی باچشم بصیرت ناپایداری دنیا را بالعیان مشاهده ننماید و بقای عالم معنی و جاودانگی روح را با تمامی وجود احساس نکند هرگز رهایی از تعلقات مادی برای او میسر نمی‌شود و چنین کسی قادر نخواهد بود املاک و اموالی را که عمری بر آنها دل بسته با اجرای صیغه وقف برای همیشه از ملکیت خود خارج کند.

یکی از عوامل این حرکت ماندگار پس از توفیق پروردگار، روشن بینی و آینده‌نگری آنها بوده که توفیق انجام دادن چنین کار باارزشی را نصیبشان ساخته است تا به جای میراث ناپایدار مادی برای یک نسل، میراث جاودانه عزت و شرف و افتخار ابدی را برای نسل‌ها به ارث بگذارند، این بانوان خیراندیش اسوه حسنه‌ای هستند تا دیگر زنان و خواهران بلندهمت این مرز و بوم نیز با تاسی به آنان به میزان توان خود در تنظیم امور اقتصادی و بهروزی هموعان خود سهیم باشند.



بعد دیگری که در این آمار باید مورد توجه قرار گیرد نقشی است که مکتب حیاتبخش اسلام برای آزادی زن در مشارکتهای اقتصادی و فعالیتهای اجتماعی قابل است، زیرا چنان که می دانیم یکی از شرایط مسلم صحت وقف از نظر شرع و قانون، مالکیت واقف بر مالی است که قصد وقف آن را دارد. همه فقها اهلیت و مالک بودن واقف را معتبر دانسته اند و در شرایط عین موقوفه بالاتفاق فرموده اند که عین موقوفه باید ملک واقف باشد نه ملک غیر. در ماده ۵۷ قانون مدنی نیز آمده است: «واقف باید مالک مالی باشد که وقف می کند و بعلاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است.»

بنابراین وقف اموال به دست بانوان فرع بر مالکیت آنهاست و نشان دهنده آن است که در جامعه اسلامی زنان نیز همچون مردان از کلیه حقوق مالکیت و اهلیتهایی که در معاملات معتبر است برخوردار هستند. شاید این مطلب برای خوانندگان امری طبیعی جلوه کند و جز این انتظاری نداشته باشند، ولی اهمیت موضوع آن گاه روشتر می شود که به واقعیهتهای جهان خارج و قوانین مصوب سایر اقوام و ملل نظری بیفکنیم. جالب است بدانیم تا اوایل قرن بیستم حتی در جوامع به اصطلاح بسیار مرفعی و پیشرفته امروزی هیچ گونه حق مالکیتی برای زنان قابل نبودند، زیرا زن را اساساً به عنوان یک موجود مستقل و حقیقی قبول نداشتند. ویل دورانت می گوید:

تا حدود سال ۱۹۰۰م زن کمتر دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بدارد. . . اگر زن مالی فراهم می کرد متعلق به شوهرش بود، اگر زن در عروسی مالی به خانه می آورد مرد حق خرج آن را داشت، اما اینکه زن بتواند در کارخانه کار کند و یا حق رأی در انتخابات داشته باشد هرگز به خاطر هیچ مردی خطور نمی کرد.^۱

در ادامه این مطلب ویل دورانت توضیح می دهد: با شروع انقلاب صنعتی اروپا به خاطر استعمار زن و استفاده از نیروی ارزان قیمت زنان در برابر مردان با تصویب قوانین تازه ای زن را به داخل کارخانه ها کشانده و حقوق مختصری از حیث مالی و اقتصادی برای وی منظور کردند تا موجب تشویق آنان به کار شود.

چنین افکاری که در سراسر تاریخ بر روح بسیاری از جوامع بشر حاکم بوده اجازه نداده است تا زن به عنوان یک موجود اجتماعی از حقوق اقتصادی و فردی و سیاسی برخوردار شود. و هم اکنون نیز علی رغم تحولات عظیمی که در همه زمینه ها در جهان صورت گرفته است، متأسفانه همچنان قوانین ظالمانه ای در جوامع غربی برای محدود نمودن حقوق طبیعی زنان وجود دارد که این مقال جای ذکر آنها نیست، هر چند در جنبه های حیوانی آزادی های بی حد و حصری را برای آنان قابل شده اند، و به عنوان دفاع از آزادی زن و با استفاده از جاذبه این شعار، فرهنگ منحط خود را به جوامع کم اطلاع و کشورهای جهان سوم صادر کرده اند، و در واقع با اسارت زن در دام شهوات و سرگرم کردن آنان به تجمل و تفاخر، دریچه رشد و کمال معنوی را به روی آنان بسته و از این طریق ضربه جبران ناپذیری بر حقیقت متعالی، بلکه بر پیکر او وارد نموده اند. بدون تردید پایه گذار واقعی آزادی زن، به مفهوم درست آن، اسلام است، زیرا مفهوم صحیح آزادی فراهم نمودن زمینه های رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیتهاست و این آرمان جز در سایه قوانین مرفعی اسلام حاصل نمی شود. به عنوان مثال چنان که پیشتر اشاره شد در بسیاری از جوامع تا اوایل قرن حاضر مالکیت را در انحصار مردان قرار داده زنان را فاقد صلاحیت برای مالکیت اموالشان می دانستند؛ در صورتی که یکی از مهمترین شرایط آزادی اعطاء حق مالکیت به فرد است. در اینجا به عظمت قرآن پی می بریم که در چهارده قرن قبل، در کلامی جاودانه با بیان ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾ حق مالکیت زن را در تمامی اشکال همچون ارث، وصیت، انفاق و غیره به رسمیت شناخت. و با به رسمیت شناختن مالکیت که مشکل اساسی برای ورود زن به بسیاری از میدانهای اجتماعی و سیاسی است زنان توانستند در سایه پشتوانه مالی که از آن برخوردار بودند نقش بنیادین خود را در عرصه های

مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایفا کنند که یکی از نمودهای آن همین مراکز عام المنفعه و موقوفاتی است که از بانوان نیکوکار به جای مانده است.

با بعثت پیامبر اکرم (ص) آزادی های معقولی که در چارچوب ارزشهای دینی و حفظ کرامت انسانی نصیب زنان گردید، این امکان را به وجود آورد تا بسیاری از بانوان بتوانند در صحنه های مختلف علمی، اجتماعی و هنری به قله های بلندی دست یابند که گاهی خارج از حد تصور بود؛ شخصیت های ممتاز علمی و هنری از قشر زنان در تاریخ پرافتخار اسلام کم نیستند که در روزگار ما رسیدن یک زن (خانم بانوامین اصفهانی) به مقام اجتهاد به و دادن اجازه روایت از جانب ایشان به مجتهدان مرد که در سمت مرجعیت بودند از آن نمونه هاست. در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز حضور گسترده زنان در فعالیتهای سیاسی اجتماعی که سقوط حکومت ستمشاهی را تسریع کرد، برگ زرینی بر صحیفه درخشان زن در تاریخ حیات اجتماعی بشر افزود؛ چنان که رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی، رضوان الله تعالی علیه، نقش زنان را در به ثمر رسیدن نهضت اسلامی بیش از مردان می دانستند و بارها بر این نکته تأکید نمودند.

باید دانست زمینه رشد زنان در برخی امور بیش از مردان است، اموری که به نوعی با ظرفیتهای روحی و عاطفی همراه است مانند تعلیم و تربیت، هنرهای دستی، نقاشی و طراحی، پرستاری و امداد رسانی و دیگر فعالیتهای اجتماعی که نیازمند دقت و حوصله باشد. سنت دیرپای وقف که بهترین شکل احسان و انفاق است نیز از اموری است که ریشه در عواطف انسانی و حس پاک و متعالی نوع دوستی دارد و لذا در طول تاریخ پرافتخار ایران اسلامی موقوفات بسیار زیادی به نام بانوان نیکوکار ثبت شده است که مایه مباهات و افتخار ایران و اسلام اند.

در اینجا فهرست کلی موقوفات زنان واقف را به تفکیک استانها و سپس شهرستانها درج می کنیم، بدان امید که ما نیز سهم ناچیزی در اشاعه و گسترش فرهنگ وقف داشته باشیم. در پایان لازم است از واحد آمار و انفورماتیک و خواهران شاغل در آن واحد که این آمار را تهیه نموده اند، تشکر کنیم.

سردبیر

آمار موقوفات بانوان نیکوکار در ایران:

استان	تعداد موقوفات	تعداد رقبات	استان	تعداد موقوفات	تعداد رقبات
آذربایجان شرقی	۹۹	۷۸۰	فارس	۱۵۸	۱۴۷۶
آذربایجان غربی	۴۶	۱۱۲	کردستان	۲۴	۵۱۲
اردبیل	۶	۲۸۴	کرمان	۱۱۳	۶۲۵
اصفهان	۴۷۰	۱۱۷۵	کرمانشاهان	۲۸	-
بوشهر	۱۰	۱۷۷	گیلان	۹۰	۷۳۷
تهران	۷۱۱	۸۹۰۹	لرستان	۱۰	-
چهارمحال و بختیاری	۵	۲۳	مازندران	۶۵۹	۴۶۷۰
خراسان	۴۳۸	۹۵۱	مرکزی	۱۷۵	۵۵۵
زنجان	۱۵۵	۱۴۱۶	هرمزگان	۱۶	۴۳
سمنان	۱۶۰	۳۸۱	همدان	۹	۷۳۸
			یزد	۶۸۲	۱۶۵۳

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی